

# هُوَ الْأَبِي - اى ورقه طيبه مطمئنه راضيه مرضيه، آن...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



## هُوَ الْأَبِي

اى ورقه طيبه مطمئنه راضيه مرضيه، آن امة الله در سبيل الهى بهر مصيبتى گرفتار شد و بهر مشقتى مبتلا گشت جام بلا را از يد ساقى قضا نوشيد و زهر جانگداز را از يد شاهد قدر چشيد. هدف تير جفا شد و صدف دردانه وفا گرديد. شخص خطير را كه از جان عزيزتر داشت در ميدان فدا سر داده ديد و جسم لطيفى را كه پرورده پرند و پرنيان بود پايمال سم ستوران يافت لا ضير انه قد جلس على سرير العزة و الاقتدار و لا بأس ان ذلك الجسد سيكون مزار الملوك اولى السطوة و الاشتهار. اگر بدانى كه آن جان پاك در چه انجمنى حاضر و بچه جمالى ناظر و در چه ملكوتى فائز و بر چه سريرى جالس است و چه تاجى در سر دارد و چه سراجى روشن البته پرده براندازى و نعره برافرازى و در شهر ولوله و آشوب اندازى فتنه آفاق شوى و آشفته مشتاق گردى جان رايگان فدا كنى و جسد را ناتوان يابى صبر و تحمل نتوانى و بملكوت عزت شتابى

عع



ORIGINAL



AUDIO